

تبیین نقش تعدیل کننده شرایط زمینه‌ای در کارآمدی نظام آموزش عالی (مطالعه موردی دانشگاه‌های دریایی ایران)

حسن دولتی^۱، فرشیده ضامنی^{۲*}، کیومرث نیازآذری^۳، پیمان جعفری طهرانی^۴

چکیده

پیش نیاز وارد شدن به عرصه‌های نوین مدیریتی مستلزم گسترش و توسعه دید دانش آموختگان، بهبود نقش و مهارت آنان در توان کاری مورد نظر و افزایش دانش عمومی آنان به عنوان یک بستر اساسی در این آموزش‌هاست. در همین راستا هدف از انجام این پژوهش، تبیین نقش تعدیل کننده شرایط زمینه‌ای در کارآمدی نظام آموزش عالی بود. این پژوهش به روش کیفی انجام شد و ۱۰ نفر از اساتید با سابقه آموزش به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گرد آوری اطلاعات مصاحبه بود، که در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختار یافته و انفرادی استفاده گردید. کفایت و موثق بودن پژوهش حاضر از طریق روایی اعضا بررسی و مورد تایید واقع شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از الگوی اسمیت انجام شد. نهایتاً براساس تحلیل متن مصاحبه‌ها مجموعه‌ای از مضامین اولیه مشتمل بر تعاملات و دیپلماسی علمی، عوامل سیاسی- قانونی، مالی و ارزیابی طی فرایند کد گذاری باز استخراج شدند که به عنوان شرایط زمینه‌ای نقش تعدیل کننده در کارآمدی نظام آموزش عالی بویژه دانشگاه های دریایی ایران داشتند.

واژگان کلیدی: تعاملات و دیپلماسی علمی، عوامل سیاسی- قانونی، شرایط زمینه‌ای

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۳/۳۰

۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۲- استادیار مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، (نویسنده مسئول: F_zameni@yahoo.com)

۳- استاد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۴- کارشناس ارشد MBA، مدرس دانشگاه علوم دریایی امام خمینی(ره) نوشهر

مقدمه

سرمایه انسانی به عنوان محصول نظام آموزش عالی، جزئی تعیین کننده در کمیت و کیفیت رشد اقتصادی محسوب می‌شود؛ اینکه چگونه استعدادهای انسانی، از طریق آموزش تجهیز می‌شوند؟ و اینکه سرمایه انسانی تجهیز شده، چگونه بکار گرفته می‌شود؟ علامتی مهم برای آینده شناسی هر کشور محسوب می‌گردد و کلید پاسخ به هریک از سوالات موصوف منوط به داشتن نظام آموزش عالی کارآمد است که نسبت به آموزش و تربیت دانش آموخته متخصص مورد نیاز جامعه اقدام می‌نماید (نیلی، ۱۳۹۳: ۹). چرا که دانش آموخته متخصص نیاز اساسی اقتصاد دنیای مدرن است. شهروند مسئول و مشارکت جو اساس نهادهای مدنی است. دانشگاه باید داشتن تعهد به ارزش‌ها و اصول جامعه، ایجاد انگیزه، توانایی بازناندیشی انتقادی در آن‌ها و قابلیت‌های مشارکت جستن در جامعه را به فرد منتقل کند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۱۷۸). شریف‌زاده به نقل از بازرگان (۱۳۹۰) وظایف مهم مجموعه آموزش عالی را، پرورش نیروی انسانی کارآمد برای اشتغال در بخش‌های گوناگون و مورد نیاز جامعه معرفی کرده و هدف اصلی و نهایی دانشگاه‌ها را تولید دانش، تأمین نیازهای جامعه، تربیت متخصصان، و ارائه راهکار برای حل معضلات اجتماعی در همه زمینه‌ها بیان می‌کند. (شریف‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۰) ترک زاده و همکاران (۱۳۹۳) نیز دانشگاه‌ها را منبع الهام بخش و عامل رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای محسوب می‌نمایند که در هر عصری پایه و بنیان آن بر خردورزی و جهل ستیزی قرار داشته و نقش یگانه‌ای در تحقق آرمان‌های بشری همچون عقلگرایی، صلح و عدالت و اخلاق و نیز تربیت و تأمین سرمایه انسانی جوامع دارد و سه مأموریت اصلی دانشگاه؛ آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی است (ترک زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۵) در عصر جدید نیز نقش‌های تازه‌ای بر دوش دانشگاه‌ها قرار داده شده است. از اهداف اصیل مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها، خدمت رسانی به جامعه از طریق برقراری ارتباط بین اندیشه‌ها و چرخش آنها در جوامع است. که هدف ذکر شده را با آموزش دانشجویان و آماده کردن آنها برای یک زندگی فعال و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی تعبیر کرده‌اند. (علی بیگی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۷) بر این اساس، نقش و وظیفه دانشگاه‌ها علاوه بر تولید فناوری، حفظ مزیت‌های فرهنگی، نوآوری در تمامی عرصه‌های تمدنی است و این یعنی اینکه دانشگاه با وسعت نظر در حوزه سیاست‌گذاری‌ها بتواند هم ضرورت‌های تکنولوژیک تمدنی را پیگیری کند و هم الزامات فرهنگی و انسانی آن را از نظر دور ندارد (خرمشاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۱)؛ البته اگر چه ریشه بسیاری از تغییرات در نهادهای تولید و توزیع دانش یا به عبارتی، دانشگاه‌ها جستجو می‌شود، اما همین تغییرات خود تأثیرات ژرفی نیز بر اینگونه نهادها دارند که از جمله بایسته‌های تغییر برای آنها به شمار می‌روند. بنابراین، برگزیدن راهبردی که به تغییر در نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های بازیگران اصلی نهادهای علمی و حرفه‌ای بینجامد به بایسته‌های اساسی در فرایند تغییر بدل می‌شود. اما نباید به فراموشی سپرد که این تغییرات زمانی ایجاد می‌شوند که سمت و سو و سازکارهای تغییرات نیز با بایسته‌های تغییر محیط‌های دور و نزدیک نظام و به بیانی با شرایط زمینه‌ای مورد نظر همسویی داشته باشند. (جاودانی، ۱۳۹۳: ۵۸) بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، مسئله اینست که شرایط جدیدی بر دانشگاه‌های جهان و اهداف آموزشی آنها حاکم شده است. دانشگاه‌ها به دلیل شرایط خاص زندگی در دنیای مدرن و الزامات نهادی آن، لازم است تا نسبت به شناسایی و ایجاد و نهادینه کردن مجموعه‌ای از بسترها و قابلیت‌ها به عنوان شرایط زمینه‌ای اقدام نمایند. مجموعه این بسترها و شرایط خواهند توانست آمادگی دانشجویان را برای زندگی اجتماعی مدرن افزایش داده و کارآمد سازی نظام آموزش عالی را محقق نماید. بنابراین این مقاله با استفاده از یک پژوهش کیفی به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که بسترهای زمینه‌ای جهت اجرای راهبردهای نظام آموزش عالی کارآمد کدام است؟

اگر قرار است که نظام آموزش عالی برای تحقق راهبردهای خود در دنیای نوین و پر از تغییر همت گمارد چه بسترها و شرایطی باید محور توجه در نظام آموزش عالی قرار گیرد؟

در دهه‌های اخیر با توجه به نقش حیاتی نظام آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی متخصص، تولید دانش و ارائه خدمات تخصصی و از طرف دیگر با توجه به چالش‌های پیش روی آن از قبیل توسعه روزافزون دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی جهت پاسخگویی به تقاضاهای اجتماعی، دانش محور شدن اقتصاد و توسعه فناوری اطلاعات و توجه به کیفیت دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی بیش از پیش ضرورت یافته است تا با توجه به محدودیت منابع، موفقیت در دستیابی به اهداف و حداکثر کارایی و اثربخشی تحقق یابد. در این شرایط چنانچه دانشگاه‌ها بخواهند به طور مطلوب به ایفای مأموریت‌های خود بپردازند، لازم است اطمینان ذینفعان خود را نسبت به این موضوع که کوشش‌های دانشگاهی از کیفیت لازم برخوردار است، جلب کنند و از سازوکارهای لازم برای بهبود کیفیت استفاده نمایند. (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳) یکی از تعاریف استفاده شده درباره کیفیت در ادبیات تجارت و صنعت، عبارت از «میزان رویارویی محصولات با متقاضیان محصولات» یا «کسب رضایت مشتری» است؛ این در حالی است که توضیحات روشنی در آموزش عالی وجود ندارد تا نشان دهد آیا «مشتری» موسسات آموزش عالی، دانشجویان، مستخدمین آینده، یا جامعه است. در خصوص یک محصول یا یک خدمت مشتری عبارت است از هرکسی است که با حداقل یا حداکثر انتظارات محصول یا خدمت را خریداری می‌نماید. بی شک در صنعت عبارت از تامین نیازهای مشتریان تحت هر شرایطی در سراسر جهان است. بر این اساس کیفیت در آموزش عالی نیز تأمین رضایت ذینفعان است (برومن^۱، ۲۰۰۴: ۳۷۴) آموزش عالی در هر جامعه‌ای دارای ذینفعان متعددی است که عبارتند از: دانشجویان بالقوه و بالفعل؛ کارکنان؛ کارفرمایان (متقاضیان استخدام فارغ‌التحصیلان و خدمات علمی- مشاوره‌ای)؛ اعضای گروه‌های آموزشی، مسئولان دانشکده، مسئولان دانشگاه، مسئولان وزارتخانه و سیاستگذاران کلان و دولتمردان؛ و صنعت.

بر این اساس با توجه به اینکه جهان امروز جهان دانش است. واژه‌هایی نظیر اقتصاد دانش محور و سازمان‌های دانش محور، همگی بیانگر نقش فراگیر دانش و آگاهی در کسب برتری و مزیت‌های رقابتی و دستیابی به ابعاد توسعه‌اند. در اقتصاد مبتنی بر دانش، دانشگاه‌ها علاوه بر مأموریت‌های آموزشی و تحقیقاتی، مأموریت جدید مشارکت فزاینده تر در نوآوری و توسعه تکنولوژی را عهده‌دار گشته‌اند (باقری نژاد، ۱۳۸۷). و به باور کیربی و همکاران نیز نقش دانشگاه‌ها در عصر جهانی شدن، با توجه به مسئولیت‌های جدیدی که در قبال جامعه و توسعه اجتماعی و اقتصادی آن و بازار آموزشی دارند، دگرگون شده است (کیربی^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). در واقع دانشگاه‌ها علاوه بر مأموریت آموزشی و تحقیقاتی، در آستانه مأموریت سوم خود یعنی مشارکت بیشتر و مستقیم در فرایند توسعه تکنولوژی و نوآوری، تکنولوژیک قرار گرفته و بنگاه‌ها و شبکه‌های جدید وابسته به دانشگاه در حال ایجاد و رشد هستند. دانشگاه‌ها با توجه به ظرفیت‌هایی که دارند و به عنوان نهاد تولید و توزیع کننده دانش و همچنین به عنوان یک کارآفرین و بنیانگذار بنگاه، نقش اساسی را در نوآوری صنعتی و توسعه تکنولوژی ایفاء می‌کنند. از طرفی در چرخه نوآوری و سیستم اقتصادی، به طور درونزا، دانش نیز ایجاد می‌شود (گیبونز^۳ و همکاران، ۱۹۹۴) نتایج مطالعات ناظمی (۱۳۸۴) در بین ده دانشگاه معتبر جهان نیز حاکی از آن بود که تمام دانشگاه‌های مورد بررسی در بیانیه رسالت خود بر ارتقای سطح دانش از طریق بهبود فرآیند یادگیری دانشجویان، افزایش سطح فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی و نیز بهره‌مند ساختن منطقه فعالیت و کشور متبوع و نیز کل جهان از نتایج فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی خود می‌باشد. در داخل کشور نیز هرچند هر دانشگاهی رسالت خاص خود را دارد ولی در شرایط کنونی می‌توان پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور، ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش

1- Bornman
2- Kirby & atl
3- Gibbons

بنیان در منطقه در مقاطع کوتاه مدت، میان مدت به عنوان محورهای اصلی مأموریت و چشم انداز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ترسیم کرد (چشمه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). بر این اساس محقق شدن هر یک از رسالت‌های بیان شده و رضایت ذینفعان مستلزم بهره‌برداری مؤثرتر از دانش، ارتقای سطح منابع انسانی است. توسعه منابع انسانی شامل دو فرایند مشخص توسعه مهارت‌ها و ایجاد قابلیت‌ها است. توسعه مهارت به معنی آموزش رسمی و کارآموزی است و ایجاد قابلیت بدان معناست که توسعه مهارت‌ها و دانش از کوشش‌های مدیریتی و فنی ناشی شده باشد. همگام با رشد و پیچیده‌تر شدن اقتصاد کشور، کوشش برای تأمین سرمایه انسانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. در این فرایند نهادهای مربوطه رشد یافته و بنگاه‌ها بیش از پیش به توسعه مهارت‌ها احساس نیاز پیدا می‌کنند. با توجه به پیچیدگی اطلاعات مربوطه و طبیعت بلند مدت سرمایه گذاری در زمینه مهارت‌ها و آثار خارجی آن، ممکن است منابعی که به طور خاص توسط بازار هدایت می‌شوند، نتواند نیازهای مهارتی مورد نیاز را تأمین کنند. لذا محتوا و کیفیت آموزش برای پاسخگویی به نیازهای جدید جوامع، اهمیت زیادی دارد. آموزش عالی، در تولید و انتقال دانش و در تربیت نیروی کار رقابتی و رهبران تجاری و سیاسی نقش کلیدی ایفا می‌کند و فعالیت‌های دانشگاهی، پشتیبان و کمک کننده فناوری و ابداع و نوآوری در بخش‌های دولتی و خصوصی است. رسالت جدید بخش آموزش عالی این است که استراتژی‌های مناسب برای تحقق اقتصاد دانایی محور طراحی و اجرا کند. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳)، که در همین زمینه رویکردهای تعالی سازی نظام آموزش عالی به شرح زیر می باشد:

۱- رویکرد دانشگاه پایدار

توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل کنونی را بدون در خطر قرار دادن توانایی نسل‌های آینده در رفع نیازهایشان، برآورده می‌سازد در این رویکرد ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی، ستون‌های آن را تشکیل می‌دهد که بر فرهنگ جامعه استوار شده‌اند. (آراسته و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰) یکی از نکات مهم توسعه پایدار حفظ منابع برای نسل‌های آینده و دیگری رفع نیازهای اساسی فقیران جهان؛ به عبارت دیگر، نه تنها به عدالت بین نسلی بلکه به عدالت درون نسلی نیز توجه شده است. که بر اساس منشور دانشگاه پایدار چون موسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها نسل‌های آینده را تربیت می‌کنند و در تمام زمینه‌های تحقیقاتی دارای تخصص هستند؛ وظیفه باسوادی مردم را در زمینه پایداری بر عهده دارند. (علی بیگی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۷) که بر اساس الگوواره جدید پایداری و تغییر فرضیات بنیادین، نظام آموزش عالی باید ساختارهای خود را در تمام بخش‌ها با شرایط جدید منطبق نماید. (آراسته و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۲) در این راستا محمدی مهر و همکاران (۱۳۹۰) مولفه‌های دانشگاه پایدار را نظام آموزشی، پژوهشی، مدیریتی و مدیریت زیست محیطی، مالی پایدار معرفی کردند (محمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۳) و در تحقیق دیگری بارث و همکاران (۲۰۰۷) قابلیت دور اندیشی، قابلیت کار میان رشته، قابلیت درک جهانی، فهم فراهنگی و همکاری، مهارت‌های مشارکت، قابلیت برنامه ریزی و اجرا، قابلیت یکدلی، غمخواری و اتحاد و قابلیت خود انگیزی و ایجاد انگیزه در دیگران را از مؤلفه‌های آموزش عالی پایدار بیان کردند. (بارث و همکاران، ۲۰۰۷).

۲- رویکرد بهسازی اعضاء هیأت علمی

این الگو به دنبال شناخت ابعاد مختلف بهسازی اعضاء هیئت علمی است این الگو ابعاد بهسازی هیئت علمی را در سه بعد، بهسازی سازمانی (ساختار سازمانی، رهبری دانشگاهی، ایجاد انگیزش، ایجاد شبکه ارتباط بی اعضاء و تیم سازی، نظام پاداش و تشویق، پشتیبانی و حمایت، تمرکز روی موضوع یا تم، امکان دسترسی به فناوری، برگزاری جلسات و جلب مشارکت اعضاء، خلاقیت در طراحی و اجرای برنامه، جو فرهنگ سازمانی)، بهسازی فردی (هویت

شغلی، توانمندی، خودکارآمدی، استقلال عمل، خودکارآمدی و خود راهبری، اخلاق حرفه‌ای، مدیریت زمان، بهزیستی سازمانی، کیفیت زندگی کاری، تعهد شغلی، خلاقیت، ریسک پذیری و نوآوری و بهسازی حرفه‌ای (مهارت تدریس، مهارت آموزشی، مهارت ارائه خدمات، مهارت فناوری، مهارت نویسندگی، مهارت پژوهش، مهارت بین فردی، مهارت ارائه خدمات) به شرح ذیل مورد توجه قرار می‌دهد. (نوه ابراهیم و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۳)



شکل (۱) بهسازی هیات علمی دانشگاه‌ها

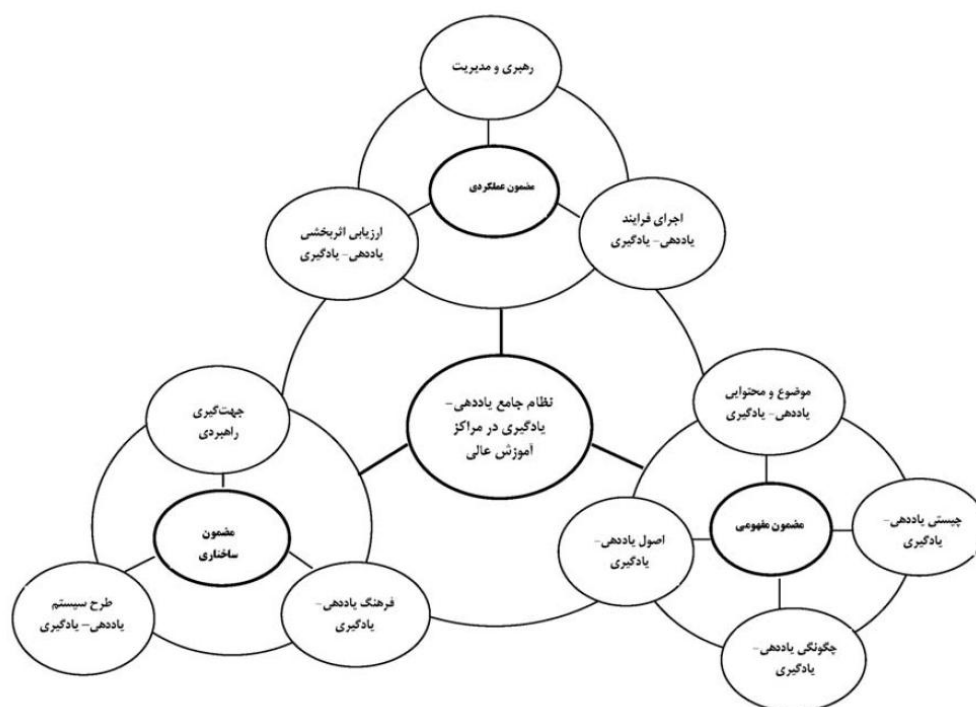
۳- نظام جامع یاددهی و یادگیری در آموزش عالی

در این مدل نظام جامع یاددهی- یادگیری در مراکز آموزش عالی مشتمل بر سه مضمون مفهومی، ساختاری و عملکردی با مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه مربوط به هر مضمون فراگیر می‌باشد. مضمون مفهومی مشتمل بر مضامین موضوع و محتوا، چپستی، چگونگی و اصول یاددهی- یادگیری؛ مضمون ساختاری شامل مضامین جهت‌گیری راهبردی، طرح سیستم و فرهنگ یاددهی- یادگیری؛ و مضمون عملکردی نیز متشکل از مضامین اجرای فرایند، رهبری و مدیریت فرایند و ارزیابی اثربخشی یاددهی - یادگیری به شرح نمودار ذیل می‌باشد. (ترک زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲)

۴- رویکرد ارزیابی کیفیت در آموزش عالی

در تحقیقی میزاکسی (۲۰۰۶) ابعاد ارزیابی کیفیت در آموزش عالی را با یک رویکرد سیستمی مشتمل بر سیستم اجتماعی (محیط، محصول یا خدمات، مردم، ساختار سازمانی، بهبود کیفیت) و سیستم‌های تکنیکی (۱- داده‌ویژگی‌های دانشجویان (دانشگاه، زندگی، نیازها و انتظارات و منافع)، ویژگی‌های دانشکده، منابع مالی، تسهیلات (کلاس درس، ذخیره کتابخانه، تجهیزات آموزشی، برنامه‌ها، دوره‌ها، برنامه زمانی، خدمات پشتیبانی) ۲- فرآیند (زمینه، فراغت، شایستگی رقابت، قابل لمس، ارزیابی نیازها و انتظارات، ارزیابی نیاز مشتریان، مدیریت) ۳- روجی (موفقیت دانشگاهی (نسبت موفقیت، توسعه مهارت، قابلیت‌ها) قبولی‌ها، ترک تحصیل‌ها و مردودی‌ها، تحصیلات تکمیلی، موفقیت کارکنان) و سیستم مدیریتی ۱- ساختار سازمانی (طراحی رسمی، سیاست‌ها، تقسیم وظائف، الگوی

قدرت و اقتدار ۲- مأموریت، چشم انداز و اهداف موسسه ۳- فعالیتهای مدیریتی (برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت، همکاری و



شکل (۲) نظام جامع یاددهی و یادگیری در آموزش عالی

کنترل فعالیت‌های سازمانی) (میزاکسی^۱، ۲۰۰۶) و در تحقیق دیگری یمنی دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۷) مدل‌های ارزیابی کیفی را شامل ملاک‌های مورد عمل در گزینش عضو هیأت علمی مشتمل بر مدارج علمی و تألیفات انجام شده در سطح داخلی و خارجی، توانایی و مهارت در انتقال دانش علمی به دانشجویان، میزان علاقمندی به درس و دانشجو و توانایی ارائه دروس تخصصی، ملاک‌های مورد عمل در گزینش دانشجو مشتمل بر تناسب استعدادها، فرد با رشته تحصیلی‌اش، میزان علاقه وی به تحصیل، توانایی فرد در درک و فهم مطالب و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل علمی، چگونگی روش تدریس مشتمل بر انتخاب روش تدریس متناسب با موضوع درسی، تناسب روش تدریس با مفاهیم اصلی و کلیدی هر درس، چگونگی سازماندهی محتوای آموزشی مشتمل بر ارائه مفاهیم جدید علمی در هر درس، ارائه منابع متعدد برای هر واحد درسی، کاهش تعداد دروس نظری و افزایش واحدهای عملی، تنظیم محتوای دروس با توجه به علائق و نیازهای واقع فراگیران، چگونگی سازماندهی فضاهای آموزشی شامل وجود کلاس‌های وسیع‌تر، نیمکت‌های سالم و راحت، قابل دسترس بودن مراکز آموزشی نظیر کتابخانه، سایت، آزمایشگاه‌ها، امکانات فیزیکی مطلوب در کلاس همچون نور کافی، گرما و سرمای متعادل و چگونگی ارزشیابی کلاسی شامل شناخت هیأت علمی در زمینه پیشرفت تحصیلی دانشجویان کمک نماید، همچنین اشکالات و نواقص موجود در آموزش هیأت علمی را به او بشناساند، با روشن ساختن ضعف‌های دانشجویان به خود آنها به منظور فعالیت بیشتر و سازنده کمک نماید. (یمنی دوزی سرخابی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۰).

1- Mizikaci

هدف احصاء نقش تعدیل کننده شرایط زمینه‌ای جهت کارآمدسازی نظام آموزش عالی است. تا ابزار منظمی را فراهم آورد که بتواند به شناسایی دقیق‌تر و علمی‌تر ویژگی‌های زمینه‌ای مراکز آموزش عالی کمک کند؛ به طوری که در شرایط واقعی و با توجه به مقتضیات زمان و ملاحظات ایرانی- اسلامی در ایران قابل تدوین و اجرا باشد. در همین راستا ملکی نیا و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های دانشگاه پایدار» شش مقوله نظام آموزشی، نظام مدیریتی، نظام مدیریت زیست محیطی، نظام تأمین مالی، ارائه خدمات تخصصی را به عنوان مقوله‌های اصلی معرفی نمود که در آن دانشگاه با بهره‌گیری از عقلانیت جوهری بدون توجه به اهداف کوتاه مدت و منافع صرفاً مادی در صدد جست و جوی حقیقت و ایجاد توازن بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه‌ای است که در آن فعالیت می‌کند. ثمری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در فرآیند توسعه دانشگاهی در دانشگاه‌های دولتی ایران» نتیجه گرفتند که تغییر و تحول در سیستم پویای دانشگاه و توسعه متعادل و نظام مند آن، نیازمند تفکر و عمل برنامه‌ریزی و مدیریت و سازگاری با محیط درون سازمانی و محیط بیرونی دانشگاه به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و هفت عامل درون دانشگاهی، سه عامل محیط محلی و منطقه‌ای، چهار عامل محیط سطح ملی و کلان، دو عامل محیط بین‌المللی و همچنین چهار عامل زمینه‌ای و زیر ساختی (تسهیل‌گر) مؤثر می‌باشد و از نظر میزان اهمیت از نگاه مشارکت کنندگان عامل‌های؛ ملاحظات سیاسی محیط محلی و منطقه، پاسخ‌گویی به نیازها و تقاضای جامعه، ملاحظات دولت، فرآیند تصمیم‌گیری در توسعه دانشگاه، تعامل برنامه‌های کلان آموزش عالی و سیستم‌های اقتصادی- اجتماعی، مدیریت و رهبری، اعتبارات و منابع مالی دولتی و استقلال دانشگاهی از جمله عامل‌هایی هستند که دارای بیشترین بسامد بوده و از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل در توسعه دانشگاهی برخوردارند. نتایج تحلیل‌های نظری و محاسبه کاربردی انتظاری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارائه الگویی برای هماهنگ سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال؛ مورد برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» نشان داد که بر پایه اهداف جزئی رشد اقتصادی، رشد بهره‌وری و گسترش فعالیت‌های دانش و مبتنی بر دانش در نظام اشتغال، می‌توان تحولات مبتنی بر دانش و حداقل نیاز کشور به دانش‌آموختگان آموزش عالی را تعیین کرد و بر اساس آن اهداف جزئی پذیرش دانشجویان بر حسب رشته‌های در نظام آموزش عالی در دانشگاه‌های دولتی را مشخص ساخت و با تدوین برنامه‌های آموزشی جدید به توسعه اقتصادی (به عنوان فرایند یادگیری) کمک کرد و هدایتگر توسعه مبتنی بر دانش در کشور بود. قارون (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت، آموزش عالی و اشتغال» نشان داد اگر دولت با استفاده از سیاست‌های کلان اقتصادی و روش‌های مناسب حمایتی و ابزارهای کارآمد، نقش خود را درست ایفا کند، نظام آموزش عالی هر کشور نقش اساسی در ایجاد ظرفیت‌های یادگیری، به سمت دانش مدار شدن اقتصاد دارد. این نقش، تحقق نمی‌یابد مگر آنکه قبل از هر نوع مداخله و تصدی‌گری شرایط اقتصادی سازگار و قابل پیش‌بینی ایجاد شود. در ورای این اقدامات، برقراری نظام نظارت و ارزیابی برای سیاست‌های اتخاذ شده و سنجش عملکرد میزان پیشرفت و تاثیر آنها از ضروریات است و همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که وظایف معطوف به اشتغال در نظام آموزش عالی برای دولت شامل مقوله‌های زیر است:

- ۱- حداکثر کردن اثر اقتصادی آموزش عالی به عنوان یک منفعت عمومی از طریق توسعه کارآفرینی و تضمین آمادگی عمومی فارغ‌التحصیلان.
- ۲- هدایت برنامه‌های آموزشی به سمت استانداردهای بالاتر از طریق ایفای نقش مصرف‌کننده تولیدات بخش آموزش عالی بویژه در رشته‌های جدید، پر هزینه و استراتژیک.
- ۳- ایجاد و حفظ تنوع در برقراری ارتباط رسمی بین موسسات آموزش عالی و نهادهای تخصصی فنی و پرهیز از شیوه‌های یکسان و متحد.

پینتو^۱ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش سیاست دولت در نوآوری» نشان داد که سیاست‌ها و مقررات دولتی می‌تواند نوآوری را ترغیب یا کنترل نماید. سیاست‌ها و مقرراتی که دقیق و منسجم باشند می‌توانند به صورت بالقوه محرک تغییرات اساسی و مهم در فرآیند و محصول فناوری باشند. مالدونادو^۲ (۲۰۱۴) در نتایج تحقیقات خود تحت عنوان «مهارت‌های رهبری در بحران‌های بین‌المللی» مهمترین عامل را هوش فرهنگی معرفی نمود. لیوناد^۳ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزش عالی جهت توانمندسازی دانشجویان» نتیجه گرفت سرمایه‌گذاری در تسهیلات فیزیکی، تجهیزات، محیط مناسب و مدیریت بر توانمندسازی دانشجویان مؤثر هستند. آفونز^۴ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با هدف «تجزیه و تحلیل انطباق آموزش دانشگاه با خواسته‌های بازار کار در منطقه مادرید» که با همکاری دانشگاه و صنعت به عنوان وسیله‌ای برای پرورش اشتغال صورت گرفت است، به بررسی همکاری بین دانشگاه و صنعت از طریق مکانیسم مصاحبه باز بین کارشناسان هر دو بخش شامل انجمن علمی دانشگاه‌ها و ذینفعان صنعت پرداختند. نتایج نشان داد که آموزش و پژوهش دانشگاهی عملاً تمایل نزدیک تری به نیازهای صنعت و مشارکت متخصصان صنعت در دوره‌های کارشناسی ارشد و کارآموزی در صنعت دارد که با مکانیزم بیشترین تاثیر را بر استخدام می‌گذارد. (آفونز^۵ و همکاران، ۲۰۱۲). ایکسو^۶ و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر همکاری دانشگاه و صنعت در گواندونگ چین» به تجزیه و تحلیل تاثیر ویژگی‌های سازمانی و متغیرهای زمینه‌ای جهت همکاری دانشگاه و صنعت در فرایند تحقیق و توسعه و مهندسی پرداختند. با بررسی داده‌های نظر سنجی شرکت‌های تولیدی دریافتند که همکاری دانشگاه و صنعت از عوامل مختلف سازمانی از جمله اندازه شرکت و ظرفیت جذب سرمایه‌گذاری نشأت می‌گیرد. علاوه بر این اطلاعات فنی و موقعیت بازار نیز از عوامل مهم حرکت به سمت مهندسی همکاری تحقیق‌های بین شرکت‌ها و دانشگاه‌ها می‌باشد. ولش و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «نقش همکاری دانشگاه و صنعت بر تسهیل فرایند انتقال تکنوژری» نشان دادند که همکاری دانشگاه و صنعت باعث افزایش در آمد و تسهیل در فرایند انتقال تکنوژری شده و پژوهش‌های دانشگاهی موجب پشتیبانی از نیروی کار و نیروهای باز تجاری می‌گردد. فرانک (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان «تاثیر ارتباط میان دانشگاه و صنعت در رویارویی با چالش‌ها» نشان داد که در این ارتباط دانشگاه می‌تواند از منابع مالی و تجهیزات صنایع بهره‌بردار و دانشجویان می‌توانند با گذراندن دوره کارآموزی خود در صنایع با محیط صنعت آشنا شده و با چالش‌های روزانه موجود روبه‌رو گردند. اینزلت (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان «تکامل دانشگاه و صنعت و دولت و ارتباط آنها در دوران گذار» به تحول روابط بین کسب و کار و دانشگاه و برنامه‌های انعکاس داده شده دولت در فعالیت‌های نوآوری شرکت جهت تحول اقتصادی مجارستان پرداخت. در این تحقیق چگونگی تسهیل روابط دولت و دانشگاه و صنعت و همچنین چگونگی ارتباط شرکت‌ها و دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که برنامه‌های جدید دولت در راستای نزدیکی بین بخش عمومی و انتظارات بخش خصوصی تدوین گردد.

روش پژوهش

این تحقیق به روش کیفی انجام شد. در رویکرد کیفی^۷ از روش پژوهش پدیدارشناسی^۱ تفسیری^۲ اسمیت استفاده شد. پدیدارشناسی یکی از روش‌های پژوهش در رویکرد کیفی است. هدف پژوهش پدیدارشناسی شرح دادن تجربه-

- 1- Pinto
- 2- Maldonado
- 3- Iyunade
- 4- Afonso
- 5- Afonso
- 6- Xue
- 7- Qualitative

های افراد همان گونه که آن را تجربه کرده‌اند می‌باشد (عابدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۵). نمونه مورد مطالعه ۱۰ نفر از متخصصان و خبرگان دانشگاهی (اعضای هیئت علمی با سابقه دانشگاه های دریایی ایران) که شناخت کافی از نظام آموزش عالی و موضوعات اقتصادی داشتند بودند که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه بود، که در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته و انفرادی استفاده گردید و مشارکت کنندگان در فرایند مصاحبه، ابتدا با هدف پژوهش آشنا و از حقوق خود، آگاه شدند و آنگاه به سوال های پژوهش پاسخ دادند. محور سؤالات این پژوهش در ارتباط با «نقش تعدیل کننده شرایط زمینه‌ای در کارآمد سازی نظام آموزش عالی» بود. در این پژوهش میانگین مصاحبه‌های انجام شده، ۴۵ دقیقه و ۴۶ ثانیه بود. کفایت و موثق بودن پژوهش حاضر از طریق روایی اعضا بررسی، و مورد تایید واقع شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از الگوی اسمیت انجام شد که شامل مراحل چون خواندن و بازخوانی یک مورد، تشخیص و برجسب زدن تم‌ها، لیست کردن و خوشه‌بندی تم‌ها و ایجاد یک جدول خلاصه‌سازی و در نهایت تلفیق موردها (گزارش نهایی بر اساس تم اصلی و تم جز) بوده است.

یافته‌ها

بر اساس بررسی به عمل آمده مشارکت کنندگان این مطالعه ۱۰ نفر بودند. شرکت کنندگان اساتیدی با سابقه کار آموزشی و متخصص در حوزه علم اقتصاد با سابقه کار آموزشی ۱۰ تا ۲۵ سال بودند که از بین اساتید دو نفر در مرتبه استادی ۴ نفر در رتبه دانشجویی و ۴ نفر استادیار و ۲ نفر مربی بودند. بنابراین طیف مناسبی از اساتید برای مصاحبه دعوت شدند. در تحلیل مصاحبه‌ها ۱۸۷ کد به دست آمد که بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه در نهایت کدهای به دست آمده در پنج درون‌مایه اصلی قرار داده شدند این درون‌مایه‌ها عبارتند از «تعاملات و دیپلماسی علمی»، «سیاسی- قانونی»، «مالی»، «برنامه‌ریزی» و «ارزیابی» که به طور جداگانه نشان داده شده است.

الف) تعاملات و دیپلماسی علمی

این درون مایه دارای ۹ طبقه به شرح جدول یک می‌باشد. مشارکت کنندگان تعاملات و دیپلماسی علمی را لازمه کارآمدسازی نظام آموزش عالی می‌دانستند. به اعتقاد آنان برای کارآمدسازی نظام آموزش عالی باید بین دولت و جامعه و صنعت به عنوان سه رأس یک مثلث باید تعامل و مشارکت وجود داشته باشد. نقل و قول مشارکت کنندگان این موضوع را تأیید می‌نماید؛ به طور مثال به اعتقاد مشارکت کننده شماره ۲ «... بازار و دولت و جامعه سه رأس یک مثلث هستند که به آن حکمرانی خوب گفته می‌شود. بر اساس مشخصه‌های حکمرانی خوب دولت، بازار و بخش خصوصی باید طوری عمل کرده و سیاستگذاری نمایند که رفاه عمومی مردم تأمین شود.» به نقل از شرکت کننده شماره ۳: «اینکه بگوییم دولت به فارغ‌التحصیل ما اعتماد نمی‌کند صحیح نیست بلکه دولت به بخش علم اعتماد نمی‌کند، چرا اعتماد نمی‌کند؟ چون اگر اعتماد کند جلو خیلی از رانت‌خواری‌ها گرفته می‌شود به همین علت به بخش علمی تن نمی‌دهد. یعنی ما در هر حوزه‌ای اساتید خیلی با سواد داریم که دولت‌های دیگر این افراد را جذب می‌کنند و دولت با حضور یکسری از افراد با دانایی کمتر قادر است به رانت‌های خود دست پیدا کند.» و مشارکت کننده ۱ عنوان کرد «بومی شدن دانشگاه‌ها نظام آموزشی را خراب می‌کند چون هیچ تغییری در افراد ایجاد نمی‌شود. در غیر بومی شدن افراد می‌آیند و با فرهنگ‌های مختلف آشنا می‌شوند و این موجب تعاملات فرهنگی بین افراد می‌شود. دانشجو وقتی که از یک مقطع به مقطع دیگر می‌رود باید چالش داشته باشد و این تغییر را احساس کند.»

1- Phenomenology

2- Hermeneutic

و مشارکت کننده ۲ معتقد بود «دو نظریه در خصوص نوسانات اقتصادی وجود دارد که بر طبق نظریه اول؛ نوسانات تغییرات طبیعی تولید است و در اثر این تغییرات طبیعی تولید اقتصاد راه طبیعی خود را پیدا می‌کند و مسیر رشد به وسیله نوسانات ایجاد می‌شود و اساس نظریه دوم؛ اقتصاد یک رشد بلند مدتی دارد نوسانات یک کم بالا و پایین می‌رود. هر دو نظریه بدنبال این است که جایگاه دانشمندان مخصوصاً دانشمندان اقتصاد کجاست؛ اقتصاددانان وظیفه دارند این نوسانات را کنترل نمایند اقتصاد دست دانشمندان اقتصاد است.

آیا اقتصاد در کشور ما دست دانشمندان اقتصاد هست و به عبارتی در کدام یک از برنامه‌های بهداشتی، آموزشی و فنی و اقتصادی که نوشته‌اند به دانشکده‌های اقتصاد فرستاده‌اند تا نظریه بدهند و می‌گویند که ما از اساتید استفاده می‌کنیم.» پژوهشگران با بررسی این بخش از مصاحبه‌ها شاخص‌های جدول ۱ را استخراج کردند و از آنجا که این شاخص‌ها ماهیت تعاملات و دیپلماسی علمی را دارد این شاخص‌ها جزء مؤلفه‌های تعاملات و دیپلماسی علمی لحاظ شد.

جدول (۱) شکل‌گیری مفاهیم و مقوله‌ها از متن مصاحبه (کد گذاری باز)

طبقه فرعی	مفهوم	شماره
	اطلاع رسانی لازم جهت بهره‌مندی جامعه از خدمات دانشگاه‌ها	۱.
	بهره‌گیری از کارشناسان صنایع برای تدریس در دانشگاه‌ها	۲.
	فراهم شدن بستر گذراندن فرصت مطالعاتی اساتید در واحدهای صنعتی	۳.
	اتحاد استراتژیک با سایر دانشگاه‌ها برای ایجاد حداکثر ارزش از ظرفیت‌های تکنولوژیکی خود و سایر دانشگاه‌ها	۴.
تعاملات و دیپلماسی علمی	به کار بردن بخشی از امکانات و نیروی انسانی متخصص و تجهیزات دانشگاه‌ها جهت حل مشکلات صنایع	۵.
	مشارکت دانشگاهیان در فرایند مساله‌یابی، تدوین، و تصویب طرح‌های پژوهشی مسائل بنگاه‌ها، دولت و جامعه	۶.
	سهولت برقراری جریان ارتباط با کلیه ذینفعان (دولت، صنعت، جامعه) به ویژه با استفاده از فناوری ارتباطی	۷.
	ارتباطات اثر بخش دانشگاه با کلیه ذینفعان (دولت، صنعت، جامعه) جهت بهره‌مندی از نظرات آنان در تصمیم‌گیری	۸.
	شبکه‌ای شدن سازمان‌ها و اتوماسیون اداری، تشکیل پایگاه اطلاعات مدیریت MIS	۹.

ب) سیاسی - قانونی

این درون مایه دارای ۱۸ طبقه برابر جدول دو می‌باشد شرکت کنندگان عوامل سیاسی و قانونی را یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز جهت ارتقاء کیفیت نظام آموزش عالی مطرح کردند. آنها بیان داشتند که بسترهای سیاسی و وجود قوانین و مقررات جهت کارآمدسازی نظام آموزش عالی ضروری است. به عنوان مثال مشارکت کننده شماره ۷ بیان نمود. «در کشور به کسی اجازه ندادیم تا بعنوان مدیر تربیت شود مدیر باید قبل از آنکه به مدیریت ارشد سازمان برسد مسیرهای ترقی قبلی را طی کرده باشد و این در حالی است که در کشور ما این فرصت در اختیار همه کسی قرار نمی‌گیرد و اجازه داده نمی‌شود تا به اندازه یک مدیر باشند و ما اغلب در خیلی از سازمان‌ها با کمبود مدیر

مواجه هستیم» مشارکت کننده ۴ بیان نمود «جریمه مدیران باید خیلی سنگین‌تر از افراد عادی باشد چون مدیر اگر تخلف کند کل فرهنگ جامعه را خراب می‌کند» مشارکت کننده شماره ۹ بیان نمود «مدیران به صورت قبیله‌ای انتخاب می‌شوند و بعد از عوض شدن یک دولت همه مدیران بدون توجه به کارایی فرد مزبور تغییر می‌کند» و مشارکت کننده شماره ۱ بیان نمود «...بر اساس اصل ۴۴ دولت نباید کارفرمای مطلق باشد. در حالی که در اقتصاد سوسیالیستی همه چیز دولتی است و باید نظارت شود که بخش خصوصی نیز نباید محل تکاثر ثروت باشد بلکه باید به جای پرداختن به امور دلالی و احتکار و سفته بازی در فعالیت‌های سازنده و دانشمدار بکار گرفته شود.» مشارکت کننده ۳ بیان نمود «...پدر یک خانواده نقش مهمی در پیشرفت فرزندان دارد. در سطح کلان کشور هم برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نقش مهمی در پیشرفت جوانان کشور دارند. یک روستایی هر چقدر تلاش کند نمی‌تواند مثل فرزند اون مسئولی که رانت اطلاعاتی دارد پیشرفت نماید.» و مشارکت کننده ۲ بیان نمود که «... سیاست‌هایی که طراحی و اجرا می‌شود، به روند تحقیق و پژوهش در کشور شکل می‌دهد. به بیان دیگر، دانشجویان، استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها که فعالیت‌های پژوهشی دارند، خودبه‌خود به یک سمت خاص هدایت نمی‌شوند، بلکه سیاست‌های علمی کشور است که آنها را هدایت می‌کند. بنابراین اگر سیاست‌های تشویقی ما در جهت رفع نیازهای جامعه باشد، پژوهش‌ها هم به آن سمت هدایت می‌شود.» پژوهشگران با بررسی این بخش از مصاحبه‌ها شاخص‌های جدول ۲ را استخراج کردند و از آنجا که این شاخص‌ها ماهیت سیاسی و قانونی را دارد این شاخص‌ها جزء مؤلفه‌های تعاملات و سیاسی و قانونی لحاظ شد.

جدول (۲) شکل‌گیری مفاهیم و مقوله‌ها از متن مصاحبه (کد گذاری باز)

طبقه فرعی	مفهوم	ردیف
	فراهم کردن زمینه تحقق آرمان‌ها در اقتصاد	۱.
	انتخاب مدیران دانشگاه از داخل و به شیوه دموکراتیک	۲.
	تخصیص درصدی هرچند اندک از درآمدهای شرکت‌ها و کارخانه‌های صنعتی به بخش پژوهشی	۳.
	رفع محرومیت‌های اجتماعی	۴.
	جدیت دولت در اجرای قانون مالکیت معنوی	۵.
	حمایت از مالکیت خصوصی و عدم دخالت در بخش خصوصی	۶.
	بهینه‌سازی همزمان مجموعه سیاست‌های صنعتی با محور حمایت از اقتصاد نوآور و رقابتی	۷.
	استفاده موثر و کارا از انواع مختلف دانش در تمام فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی	۸.
	منبع تلقی کردن دانش توسط اقتصاد دانان مثل سایر عوامل تولید	۹.
	حذف رانت‌های سیاسی در حوزه آموزش عالی	۱۰.
	فراهم کردن مشارکت آحاد جامعه در رشد و توسعه	۱۱.
	اجازه تشکیل و فعالیت به گروه‌ها و انجمن‌ها و تشکلات قابل پذیرش درون جامعه	۱۲.
	مدیریت واردات	۱۳.
	بهره‌گیری از نظرات و ایده‌های خبرگان	۱۴.

۱۵.	معافیت مالیاتی فعالیت های تحقیق و توسعه در صنایع، پرداخت یارانه به سرمایه گذاری در دانش
۱۶.	حمایت از پروژه های تحقیقاتی مرتبط با سیاست های کلان کشور
۱۷.	حفظ امنیت و جلوگیری از تجمعات و حرکت های لحظه ای
۱۸.	فراهم کردن زمینه تنوع درآمدهای صادراتی

ج) مالی

این درون مایه دارای شش طبقه به شرح جدول ۳ است شرکت کنندگان بعد مالی را یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای موثر در کارآمدسازی نظام آموزش عالی مطرح نمودند. بطوریکه مشاهده کننده ۶ بیان نمود «... باید از کارهای تحقیقاتی حمایت مالی صورت گیرد اگر پروژه تحقیقاتی فاقد پشتیبانی مالی باشد ضمن اینکه محقق انگیزه لازم را نخواهد داشت نظارت لازم هم از کیفیت پروژه انجام نخواهد گرفت» مشارکت کننده ۵ بیان نمود «صورت‌های مالی دانشگاه باید شفاف باشد» مشارکت کننده ۱۰ بیان کرد «...دانشگاه‌ها باید به دنبال جذب منابع مالی از منابع خارجی باشد و باید ترتیبی اتخاذ شود که صنایع در امر آموزش عالی سرمایه‌گذاری نمایند و از طرفی موسسات مالی و بانکی نیز باید تسهیلات مالی در اختیار اعضاء هیئت علمی جهت انجام امورات پژوهشی قرار دهند» مشارکت کننده ۱ بیان نمود «ارزش هر چیزی به خاطر منابع مالی است. الماس بعثت این ارزش دارد که قیمتش بالاست.» پژوهشگران با بررسی این بخش از مصاحبه‌ها شاخص‌های جدول ۳ را استخراج کردند و از آنجا که این شاخص‌ها ماهیت مالی را دارد این شاخص‌ها جزء مؤلفه‌های مالی لحاظ شد.

جدول (۳) شکل‌گیری مفاهیم و مقوله‌ها از متن مصاحبه (کد گذاری باز)

طبقه فرعی	مفهوم	شماره
	مشارکت فعال سیستم‌های مالی و بانکی و پولی کشور در روند توسعه همکاری‌های فنی متقابل صنعت و دانشگاه	۱
	افزایش بودجه از طرف دولت برای صنایع دانش بنیان با توجه به میزان تورم	۲
شاخص	شفافیت صورت‌های مالی دانشگاه	۳
	متنوع‌سازی درآمدهای مالی دانشگاه	۴
	انجام خریدها از عرضه‌کنندگان و تأمین کنندگان داخلی	۵
	جلب حمایت مالی از منابع خارجی	۶

د) برنامه‌ریزی

این درون مایه دارای دارای شش طبقه به شرح جدول ۴ می‌باشد شرکت کنندگان برنامه‌ریزی را یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای موثر در کارآمدسازی نظام آموزش عالی مطرح نمودند. به عنوان مثال مشاهده کننده ۲ بیان نمود «... دانشجویان به طور متوسط فقط شش ماه درگیر تحصیل است و شش ماه بقیه برنامه ندارد» و مشاهده کننده ۱۰ بیان نمود که «اگر یک کشور مثل چین جمعیت زیادی دارد ولی تراز بازرگانی مثبتی دارد بعثت داشتن برنامه است.» پژوهشگران با بررسی این بخش از مصاحبه‌ها شاخص‌های جدول ۱ را استخراج کردند و از آنجا که این شاخص‌ها ماهیت برنامه‌ریزی را دارد این شاخص‌ها جزء مؤلفه‌های برنامه‌ریزی لحاظ شد.

جدول (۴) شکل گیری مفاهیم و مقوله‌ها از متن مصاحبه (کد گذاری باز)

طبقه	مفاهیم	ردیف
فرعی	تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک و حرکت بر اساس استراتژی‌های روشن	۱
	توجه به اهداف بلند مدت و کوتاه مدت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها	۲
تک	برنامه ریزی برای هم‌تاسازی کارکنان دانشگاه جهت انتصاب به مناصب مدیریتی	۳
تک	تصمیم‌گیری استراتژیک توسط مدیریت ارشد سازمان و هدایت فعالیت‌ها در راستای آن تصمیمات	۴
	بسیج کلیه امکانات برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی	۵
	برنامه ریزی جهت حفظ و ذخیره سازی موفقیت‌های گذشته	۶

۵) ارزیابی

این درون مایه دارای ۵ طبقه به شرح جدول ۵ می‌باشد شرکت کنندگان ارزیابی را یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای موثر در کارآمدسازی نظام آموزش عالی مطرح نمودند به طور مثال شرکت کننده شماره ۴ بیان نمود «...جریمه مدیران باید خیلی سنگین‌تر از افراد عادی باشد چون مدیر اگر تخلف کند کل فرهنگ جامعه را خراب می‌کند.» مشارکت کننده ۹ بیان نمود «... دانشجویانی که کارهای پژوهشی و پایان نامه و رساله انجام می‌دهند سریع بدنبال آن هستند که تموم کنند اگر دولت هزینه می‌کند در آن نظارت دقیق می‌کند و این کار پژوهشی یک کار کیفی می‌شد.» پژوهشگران با بررسی این بخش از مصاحبه‌ها شاخص‌های جدول ۱ را استخراج کردند و از آنجا که این شاخص‌ها ماهیت ارزیابی را دارد این شاخص‌ها جزء مؤلفه‌های ارزیابی لحاظ شد.

جدول (۵) شکل گیری مفاهیم و مقوله‌ها از متن مصاحبه (کد گذاری باز)

طبقه فرعی	مفاهیم	ردیف
	سیستم ارزیابی سالانه از سطح و روند همکاری‌های دانشگاه و صنایع	۱
	پیش بینی جریمه‌های سنگین برای مناصب مدیریتی	۲
ارزیابی	نظارت در شیوه‌های جذب اساتید	۳
	نظارت در شیوه‌های جذب دانشجویان تحصیلات تکمیلی	۴
	ارائه بازخورد مناسب و کافی برای کارآفرینان پس از انجام کار	۵

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش یا به عبارتی دقیق بودن یافته‌ها از سه منظر پژوهشگر، مشارکت کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش به شرح ذیل انجام شد. (کرسول و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۲۴)

الف) تطبیق توسط مشارکت کنندگان: مشارکت کنندگان، مرحله کدگذاری محوری را بازبینی و نظر خود را در ارتباط با آن ابراز کردند؛ دیدگاه‌های آنان در مرحله کدگذاری محوری اعمال شد.

ب) بررسی همکار: ۵ تن از اساتید مدیریت به بررسی یافته‌ها و اظهار نظر درباره مرحله کدگذاری محوری پرداختند.

ج) مشارکتی بودن پژوهش: به طور همزمان از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد.

نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، تبیین نقش تعدیل‌کننده شرایط زمینه‌ای در جهت کارآمدسازی نظام آموزش عالی است. که با استفاده از راهبرد داده‌بنیاد تدوین شده است، همانگونه که در ادبیات تحقیق اشاره شد، نظریات متعددی در مورد کیفیت و کارآمدسازی نظام آموزش عالی مطرح شده است که حوزه تعاملات و دیپلماسی علمی با نتایج تحقیقات ثمری و همکاران (۱۳۹۲) لیوناد^۱ (۲۰۱۴) آفونز و همکاران (۲۰۱۲) ولش و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی دارد و در بعد قانونی و سیاسی با نتایج تحقیقات انتظاری (۱۳۸۸) قارون (۱۳۸۴) پینتو (۲۰۱۴) شباهت دارد و در بعد مالی با نتایج تحقیقات لیوناد^۲ (۲۰۱۴) ایسکا و همکاران (۲۰۱۲) زانک (۲۰۰۷) همخوانی داشته و در بعد ارزیابی هم با نتایج تحقیقات ملکی نیا (۱۳۹۳) انتظاری (۱۳۸۸) و مالدونادو^۳ (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

کیفیت و کارآمدسازی نظام آموزش عالی موضوعی است که امروزه از ابعاد مختلف به آن نگرسته می‌شود که به لحاظ تحولات پدید آمده در جهان و همچنین تأثیر مستقیم ستاده‌های نظام آموزش عالی بر رشد و توسعه اقتصادی هر روز بر اهمیت و ضرورت آن افزوده می‌شود. بنابراین می‌توان دریافت که نقش‌هایی که دانشگاه و دانشجوی جدید در شرایط جدید جهانی باید در کشور بر عهده بگیرد تغییر کرده است. به عبارتی دانشجوی باید بر توانایی‌هایی مسلط شده و مسئولیت‌های جدید در جامعه بر عهده بگیرد و در همین راستا دانشگاه‌ها نیز باید بر قابلیت‌هایی مجهز گردند تا بتوانند نقش‌های جدید را در جامعه ایفا نمایند. نتایج مطالعات انجام شده در داخل و خارج کشور نشان می‌دهد که کارآمدسازی نظام آموزش عالی آن طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است و بسترها و زمینه‌های کارآمدسازی نظام آموزش عالی فراهم نگردیده است. در این پژوهش پنج عنصر عوامل سیاسی- قانونی، تعاملات و دیپلماسی علمی، برنامه‌ریزی، ارزیابی و مالی مجموعه عواملی بودند که به عنوان عوامل زمینه‌ای موثر در کارآمدسازی نظام آموزش عالی شناسایی شدند. همچنین ذکر این نکته ضروری است که هر چند برخی از عوامل و عناصر احصاء شده از مصاحبه‌ها با عوامل و مولفه‌های حاصل از ادبیات پژوهش مشابه بودند اما بسیاری از شاخص‌های به دست آمده، در ادبیات پژوهش مورد تأکید قرار نگرفتند، که علت را می‌توان با توجه به شرایط خاص و متفاوتی که نظام آموزش عالی کشورمان با سایر کشورهایی که پژوهش‌های مرتبط با کارآمدسازی نظام آموزش عالی در آنها انجام شده است توجیه کرد.

منابع

- اسحاقی، ف؛ محمدی، ر؛ صادقی‌مندی، ف. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مرتبط با اجرای مطلوب ارزیابی درونی در گروه‌های آموزشی دانشگاهی (مروری بر یک دهه تجربه گذشته در ایران)، پنجمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی. تهران: دانشگاه تهران - پردیس دانشکده‌های فنی.
- انتظاری، ی. (۱۳۸۸). ارائه الگویی برای هماهنگ سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال؛ مورد مطالعه برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۳، ۲۷-۱.
- آراسته، ح؛ امیری، ا. (۱۳۹۱). نقش آموزش در توسعه پایدار، نشریه نشاء علم، ۲(۲)، ۳۶-۲۸.
- باقری نژاد، ج. (۱۳۸۷). سیستم ارتباط دانشگاه و صنعت برای توسعه فناوری در ایران، ساز و کارها و پیشنهادها، فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۱(۱)، ۱۴-۱.
- ترک زاده، ج؛ محمدی، م؛ ستوده، س. (۱۳۹۳). تدوین و اعتباریابی نظام جامع یاددهی-یادگیری در آموزش عالی، پژوهش‌های برنامه‌ی درسی، ۴(۲)، ۹۳-۱۱۶.

- 1- Iyunade
- 2- Iyunade
- 3- Maldonado

- ترک زاده، ج؛ محمدی، م؛ ستوده سفر، س. (۱۳۹۳). تدوین و اعتباریابی نظام جامع یاددهی-یادگیری در آموزش عالی، پژوهش‌های برنامه‌ی درسی، ۴(۲)، ۹۳-۱۱۶.
- ثمری عیسی، ی؛ سرخابی، م؛ صالحی عمران، ا؛ گرائی نژاد، غلامرضا. (۱۳۹۲). بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در فرآیند توسعه دانشگاهی در دانشگاه‌های دولتی، دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۲(۴)، ۶۷-۱۰۰.
- جاودانی، ح. (۱۳۹۳). طراحی الگوی توسعه سازمانی در نظام مدیریت آموزش عالی ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۰(۴)، ۷۴-۵۵.
- چشمه علی، م؛ وجیهه، چ. (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی و نقش دانشگاه‌ها در آن سازمان، نشریه داخلی معاون طرح و برنامه. خرمشاد، م؛ آدمی، علی. (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱۶۱-۱۸۸.
- دانایی فرد، ح؛ امامی، م. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد، اندیشه مدیریت، ۹۷-۶۹.
- دانائی فرد، ح؛ حمیدرضا، ه. (۱۳۹۳). ساز و کارهای ارتقای بهره‌وری بخش عمومی ایران، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی؛ ۲(۷)، ۷-۲۴.
- شریف زاده، ف. (۱۳۹۰). ضرورت بازشناسی نظام آموزش عالی و نقش آن در توسعه علمی و اجتماعی کشور: پژوهشی درباره دوره کارشناسی رشته مدیریت دولتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲(۱)، ۷۹-۱۱۲.
- عباسی، م؛ شیره پزآرانی، ع. (۱۳۹۰). سیاستگذاری کیفیت آموزش عالی: چالش‌ها و چشم‌اندازها، پنجمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی - دانشگاه تهران، ۱۶-۱.
- علی بیگی، ا؛ رضوان، ق. (۱۳۸۹). ارائه الگوی مفهومی برای آموزش عالی پایدار، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۶۳-۱۴۵.
- فاضلی، م. (۱۳۸۶). تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱(۱)، ۱۹۸-۱۷۵.
- قارون، م. (۱۳۸۴). دولت، آموزش عالی و اشتغال، دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- محمدی مهر، م؛ ملکی، ح؛ عباس پور، ع؛ خوشدل، ع. (۱۳۹۰). نقش آموزش عالی در یادگیری مادام‌العمر، فصل‌نامه راهبردهای آموزش، ۹۴-۹۱.
- ملکی نیا، ع؛ بازرگان، ع؛ واعظی، م؛ احمدیان، م. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های دانشگاه پایدار، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۰(۲)، ۱-۲۶.
- ناظمی، ش. (۱۳۸۴). مروری بر چشم‌انداز، رسالت، ارزش‌ها و اهداف کلان چند دانشگاه منتخب جهان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- نوه ابراهیم، ع؛ پور کریمی، ج. (۱۳۸۷). ارائه الگوی مفهومی بهسازی هیئت علمی دانشگاه‌ها و آموزش عالی، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۱۶-۱۰۲.
- نیلی، م. (۱۳۹۳). گزارش جمع بندی کنفرانس اقتصادی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۳۵-۱.
- یمنی دوزی، س؛ بهادری، مریم. (۱۳۸۷). مقایسه برخی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های شهید بهشتی و صنعتی شریف، آموزش عالی ایران، ۱(۱)، ۸۰-۵۷.
- Afonso, A., ramirez, j. j & . diaze puente, j. m. (2012). University- industry cooperation in the education domain to foster competitiveness and employment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 46, 3947-3953.
- Bornman, G. (2004). Programme review guidelines for quality assurance in higher education A South African Perspective. *International journal of sustainability in higher education*, Emerald Research, available at www.emerald.com/researchregister, 372.
- Creswell J.W., Miller D.L. (2000). determining validity in qualitative inquiry, *Theory in to Practice*, 39,
- Franek, R. (1997). *The Internship Bible*, Princeton Review Publishing, Broadway, NY.
- Garrison, D.R., "Self-directed learning: toward a comprehensive model", *Adult Education Quarterly*, Vol. 48 No. 1, pp. 18-33, 2005.
- Gibbons, M., Camile, L., Helga, N. (1994). *the new production of knowledge*, London, Sage.

- Iyunade, O. (2014) Quality Assurance in Higher Technical Education and the Context of Youth Empowerment for Sustainable Development .Journal of Arts and Humanities (JAH), Volume -3, No.-5, May,57-68.
- Kirby, D., Guerrero-Cano, M. and Urbano, D. (2006).A Litration Review on entrepreneurial universities: An Institutional Approach, the 3rd Conference of Pre-communications to Congresses, Business Economic Department, Autonomous University of Barcelona. Barcelona.
- Maldonado, Tiffany. Vera, Dusya. (2014). Leadership skills for international crises: The role of cultural intelligence and improvisation. Organ Dyn, <http://dx.doi.org/10.1016/j.orgdyn.2014.09.002>
- Mizikaci, f. (2006). a systems approach to program evaluation model for quality in higher education. quality assurance in education,vol.14.no.1, pp.37-53.
- Patanakul, P & ,Pinto, J.(2014) .Examining the roles of government policy on innovation , .Journal of High Technology Management Research 25 ,97–107.
- Welsh, R., L. Glenna, W. Lacy and B. Biscotti.(2008). Close enough but not too far: Assessing the effects of university–industry research relationships and the rise of academic capitalism, Research Policy 37, 1854-1864.www.spac.ir
- Xue, Lan., and Zhou, Ling. (2011). Academia-industry-government interaction in the Case of China, In M. Martin, (eds), In search of the Triple Helix: Academia-industry-government interaction in China, 70. Poland, and the Republic of Korea, 33-108.